

بازی طالبان با توافقنامه صلح ، آمریکا - طالبان ، برای بازگرداندن امارت اسلامی در افغانستان *

نوشته: دکتر نورعلی دوست

۱۱ فبروری ۲۰۲۱

شهر لاوال - ایالت کبک - کانادا



موضوعات مورد بحث این نوشته :

- پیش نوشته :
- ارزیابی توافقنامه صلح امریکا - طالبان .
- هویت طالبان - بنیادگرائی و منشاء آیدیالوژی طالبانی .
- کلید واژه - توافقنامه : سند قراردادی حقوقی و الزام آور میان دو طرف معامله پیرامون موضوع مشخص که شرایط و جزئیات توافق طرفین را مشخص می‌کند .
- پرسش کلیدی مورد بحث : آیا مذاکرات صلح دوحه بر مبنای توافقنامه صلح ، آمریکا - طالبان به نتیجه مطلوب میرسد ؟
- نتیجه گیری توأم با نظر پیشنهادی .



پیش نوشته :

موافقتنامه صلح امریکا - طالبان در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ و ۱۰ حوت ۱۳۹۸ هجری شمسی در شهر دو حه قطر با امضاء زلمی خلیل زاد و ملا عبدالغنی برادر به تصویب رسید .

هیئت رهبری مذاکره کنندگان طالبان در دوحه ، امضای این توافقنامه را ، بزرگترین دستاورد خود در مبارزه با دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حامیان آن در رأس ایالت متحده امریکا تعریف نموده در آستانه امضای آن ، گروه اضافه از چهل نفری طالبان با بدست گرفتن بیرق سفید طالبانی و نعره الله اکبر ، رژه فتح را اجرا نمودند . و درختم آن شیر محمد استانکزی معاون سیاسی دفتر طالبان در قطر و عضو گروه مذاکره کننده طالبان ، امضای توافق صلح با امریکا و بخصوص توافق برای خروج نیروهای اشغالگر آمریکایی از افغانستان را پیروزی طالبان عنوان و این روز را روز فتح خواند و آن را به همسنگران طالب خود و اعضای طالبانی که در زندانهای افغانستان محبوس هستند ، تیریک گفت .

محتویات توافقنامه بوضوح نشان میدهند که هیئت مذاکره کننده طالبان با تحمیل نظریات و اهداف خود در متون این توافقنامه چنانکه به جزئیات آن در صفحه های بعدی اشاره میشود ، به امتیازات سیاسی قابل توجه نسبت به دولت جمهوری اسلامی افغانستان که طرف اساسی ایشان در مسئله داخلی کشور است ، دست یافته اند .

دادن نقش پر رنگ و ظفر مندانانه به طالبان با سناریوی به ظاهر خروج بالاجبار تمامی نیروهای آمریکایی در خلال ۱۴ ماه آینده از افغانستان به خواست و پافشاری ایشان ، طالبان را همچون نیروی شکست ناپذیر و فاتح میدان در جنگ با دولت جمهوری افغانستان و حامیان بین المللی آن در رأس ایالات متحده امریکا به معرفی گرفته ، بمنزله قبول شکست در متارکه است که ؛ موضع سیاسی - اجتماعی طالبان را در جامعه سنتی افغانستان بدلیل اینکه ، مردم این کشور در طول تاریخ با موجودیت قوای نظامی خارجی در وطن شان حساس اند ، به مبارزات این گروه در برابر دولت موجود و قوت های خارجی حامیان آن ، در میان مردم عامه ، صبغه وطن پرستانه و به تبلیغات ایشان رنگ و بوی ملی و مذهبی توأم روحیه رزمندگی با امید به پیروزی از راه جنگ و خشونت داده و به حیث نیروی سیاسی نظامی مطرح در سطح ملی و بین المللی مورد توجه قرار داد ، چنانکه پیش ازین همچون طالبان به حیث یک گروه تروریستی و در لست سیاه شورای امنیت ملل متحد قرار داشتند و از چنین اعتباری برخوردار نبودند . در حالیکه هرگاه طالبان از جنگ و خون ریزی و وحشت افگنی در برابر دولت جمهوری اسلامی افغانستان ، دست بردارند و صلح درین کشور برقرار شود ، مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان نیز خواستار ، ادامه وجود همه ی نیرو های خارجی در افغانستان نمیشد .

ارزیابی توافقنامه صلح ، امریکا - طالبان « ۱ »

به نظر نویسنده مشکل اساسی سند توافقنامه امریکا - طالبان ؛ قرار گرفتن ایالات متحده به جای دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث طرف اصلی حل منازعات سیاسی داخلی افغانستان با طالبان است . در حالیکه بیشترین قوای نظامی این کشور و سایر متحدین نظامی آن قبل از

امضای توافقنامه ، افغانستان را ترک نموده اند و تعداد محدودی از قوای نظامی ایشان بطور مستقیم در مقابل طالبان در میدان های محاربه اشتراک نمی کنند و این نیرو های مسلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان اند که در تمام میدان محاربه و حفظ امنیت شاهراه ها ، شهرها و دهات کشور در مقابل گروه های مسلح طالبان برای حفظ امنیت مردم مبارزه مینمایند . لذا از لحاظ حقوقی دولت جمهوری افغانستان همچون دولت تأیید شده از جانب مردم افغانستان طی انتخابات ریاست جمهوری و مورد قبول جامعه جهانی می بایستی طرف اصلی تفاهم و توافق با جانب طالبان قرار میداشت و در مورد شرایط و جزئیات بحث و به توافق میرسید و متعهد به اجرای مواد آن می بود ، به مذاکرات بین الافغانی موجود که با مشکلات زاید و ابهامات در قطع جنگ و تأمین صلح سراسری در افغانستان روبرو است ضرورتی پیدا نمی شد .

اما برخلاف گروه مذاکره کننده ایالات متحده امریکا در توافقنامه صلح با طالبان به اجرای تعهداتی موافقت نمودند که اصولن در حیطه صلاحیت دولت جمهوری افغانستان قرار داشتند و به ایالات متحده امریکا از لحاظ حقوقی ربطی نداشتند و همچنان گروه طالبان از نام امارت اسلامی طالبان با پوشش اینکه « ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به نام طالبان شناخته می شود » به ایالات متحده امریکا به تعهداتی توافق نمودند که ، صلاحیت عملی نمودن آن از صلاحیت این گروه نیست که در این نوشته به جزئیات آن پرداخته میشود .

به مردم افغانستان و جهانیان معلوم است که به سلسله انتخابات های گذشته ، در نتیجه انتخابات اخیر دولت موجود افغانستان به رأی مستقیم مردم تشکیل یافت . به رویت گزارش بازرس ویژه ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) « از سال ۲۰۰۱ تاکنون یک میلیارد و ۲۰۰ هزار دالر صرف برگزاری هفت انتخابات و حمایت از سیستم انتخاباتی در افغانستان شده »

« ۲ »

بدون شک پروسه این انتخابات ها توأم با نواقص و کمبودی های قابل ملاحظه ای به انجام رسیدند که به همه معلوم است ، و مورد بحث این نوشته نیست ؛ اما با حفظ کمبودی ها و نواقص خود ، در شرایط دشوار کنونی افغانستان که بیشترین مشکلات و نواقص کارزار پروسه های انتخاباتی به نا امنی هائی برمیگردند ، که عامل اساسی آن طالبان بوده اند ؛ اما به یقین گفته میتوانیم که تداوم پروسه های انتخاباتی و ترویج فرهنگ دموکراسی به بهتر شدن پروسه های بعدی دموکراتیک در افغانستان می انجامد ؛ چنانکه هرگز انجام انتخابات در آیدیاوژی و ساختار حاکمیت امارت اسلامی طالبانی و در تخیل ایشان هم جای ندارد .

تأکید طالبان بر گنجاندن امارت اسلامی طالبان همچون نظام سیاسی طرف مذاکره کننده ، درین توافقنامه به نحوی به تثبیت جایگاه سیاسی از دست رفته امارت اسلامی عمدتن با اقدام عملیات نظامی ایالات متحده امریکا همچون طرف اساسی مسئله افغانستان و پذیرفتن درج این عنوان در توافقنامه صلح از جانب هیئت مذاکره کننده ایالات متحده امریکا ، اعتنا و التفات به امارت اسلامی طالبان است . چنانکه هم اکنون در مذاکرات بین الافغانی به پافشاری هیئت مذاکره کننده این گروه بر معیار قرار دادن توافقنامه صلح امریکا و طالبان در موجودیت عبارت امارت اسلامی طالبان ، در توافقنامه ، پشتوانه و سنگری برای هیئت مذاکره کننده طالبان و مسئله پاگیر به هیئت مذاکره کننده جمهوری اسلامی افغانستان شده است .

پیرامون تهیه مضمون و کار برد کلمات و جملات کلیدی در این توافقنامه باید گفت که :

-طالبان یا ، به حمایه و رهنمائی های زیرکانه مشاورین حامی کار کشته خود ، جانب هیئت نمایندگان مذاکره کننده ایالات متحده را در تهیه و تدوین این متن با الفاظ و کلمات سیاسی به بازی گرفته اند و یا اینکه :

-نمایندگان مذاکره کننده ایالات متحده امریکا با هیئت مذاکره کننده طالبان ، آگاهانه طی انجام یک معامله سری سیاسی با حامیان طالبان که همانا حکومت پاکستان ، عربستان سعودی و امارات متحده عربی و قطر اند ؛ قصد دارند ، امارت اسلامی از دست رفته طالبان را بدلیل آتی به ایشان در افغانستان باز بگردانند .

یکم : اینکه ، عنوان امارت اسلامی در شکل و مضمون معادل دولت نیست و مخصوصن با ساختار نظام دولت جمهوری آنهم سکولار ، در تمام زمینه ها و جوانب سیاسی و حقوق مدنی شهروندان در نظام های سیاسی امروزی جهان فرق دارد ، کما اینکه امارت اسلامی ، آنهم به سبک طالبان افغانستان مدغم با فرهنگ قبیلوی ، چنانچه مردم افغانستان آنرا تجربه نمودند ، نمونه خاصی از حاکمیت استبدادی منحصر به خود در جهان است و در توافقنامه این امارت اسلامی از جانب هیئت مذاکره کننده ایالات متحده امریکا همچون دولت به رسمیت شناخته نشده ، ولی به پافشاری ایشان در تمام متن همچون حاکمیت گذشته سیاسی طالبان و طرف مذاکره کننده گنجانیده شده است . اینکه هیئت مذاکره کننده ایالات متحده امریکا ، آنرا همچون دولت به رسمیت نشناخته اند ، طالبان نیز نظام خود را دولت نمیدانند بلکه امارت اسلامی میگویند .

دوم : درین توافقنامه رسمی که وعده به تأیید آن در شورای امنیت ملل متحد نیز داده شده است ، از دولت جمهوری اسلامی افغانستان همچون دولت رسمی و پذیرفته شده جامعه بین الدول ، بطور آگاهانه و عمدی و به یقین به پافشاری طالبان و کوتا آمدن هیئت مذاکره کننده طرف ایالات متحده امریکا ، ذکری به عمل نیامده است ، دست بالای هیئت مذاکره کننده طالبان را روی میز مذاکره نشان میدهد .

نتایج این بحث و گفتگو با چنین معاملات سیاسی بدین معناست که طرف معامله سیاسی طالبان یعنی ایالات متحده امریکا در افغانستان بوده ، و این کشور بوسیله دولت جمهوری اسلامی موجود افغانستان همچون دولت دست نشانده و غیر دموکراتیک بر این کشور حکومت مینماید و با خروج نیرو های امریکائی و متحدین آن ، دولت جمهوری اسلامی موجود افغانستان بصورت اتوماتیک منحل و طالبان از طریق مذاکرات بین الافغانی بدون اشتراک دولت جمهوری اسلامی موجود افغانستان **حکومت اسلامی جدید** پسا توافق را که بار ها به آن اشاره شده ، ایجاد مینمایند که در حقیقت تأیید همان امارت اسلامی طالبانی خواهد بود ، کما اینکه طالبان نیز هیچگاهی خود را دولت ندانسته ، امارت اسلامی مینامند .

اما به همه گان معلوم است که قوای مسلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان در برابر گروه طالبان بطور مستقلانه مبارزه، مقاومت و از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان دفاع مینماید . نیرو های مسلح محدود کشور های حامی خارجی مستقر در افغانستان صرف در حد مشاوره و تعلیم و تربیه نظامیان همکاری دارند . مزید برآن در افغانستان نیروی قدرتمند دیگری

وجود ندارد که سد راه هجوم مسلحانه طالبان شده از ایجاد امارت اسلامی قرون وسطائی شان که مردم افغانستان از آن خاطره های تلخ و جانکاهی دارند جلو گیری نماید .
سوم : در بند نخست توافقنامه ذکر میشود که : « تضمین ها و میکانیزم های اجرایی که استفاده از خاک افغانستان توسط هرگونه گروه یا فرد علیه امنیت ایالات متحده و متحدان آن جلوگیری کند. »

نخست : درین فقره صرف به امنیت ایالات متحده امریکا توجه شده و به امنیت مردم افغانستان و دولت جمهوری اسلامی افغانستان ، که با ایالات متحده امریکا ، پیمان امنیتی دارد ، هیچ اشاره ای نشده ، گویا اینکه نیرو های مسلح ایالات متحده امریکا و متحدین شان ، خود را ازین میدان متارکه با صحت و سلامتی بیرون بکشند و با گرفتن این تعهد نامه از طالبان ، آینده خود را نیز در داخل کشور های شان تضمین می نمایند و مردم افغانستان دانند و امارت اسلامی طالبان ، گروه های مسلح امر بالمعروف و ابسته به آنها و میدان ورزشی غازی استدیوم و چهار راهی آریانا .

هرگاه این توافقنامه بدقت مورد ارزیابی قرار گیرد ، متن و مضمون آن بوضوح نشان میدهد که با خروج نیرو های امریکائی و متحدان آن ، حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی افغانستان به امارت اسلامی طالبان تعلق می میگیرد و این امارت اسلامی طالبان است که به اساس این توافقنامه : « مسؤلیت جلو گیری از هرگونه گروه یا فردی که علیه امنیت ایالات متحده و متحدان آن دست بکار شود ، جلوگیری کنند . » نه دولت جمهوری اسلامی موجود افغانستان که شریک این پروسه نیز درین توافقنامه به حساب نه آمده است .

چهارم : در بخش دیگری ازین توافقنامه تصویب شده که : « تعهدات امارت اسلامی افغانستان که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود، در چوکات این موافقتنامه در مناطق تحت کنترل شان تا زمان تشکیل حکومت اسلامی جدید پسا توافق افغانستان که طبق گفتگو و مذاکرات بین الافغانی تعیین می شود ، اجرا می شود.
نخست - اینکه از دولت جمهوری اسلامی افغانستان که عملن اداره امور سیاسی کشور بعد از طی مرحله انتخابات بدست دارد و با داشتن قوا مسلح قهرمان ، رزمنده و دلاور در میدان های نبرد در دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی روزانه به ده ها جوان در برابر طالبان ، داعشیان ، القاعده و دیگر اجیران خارجی همکار به این گروه ها که در خاک پاکستان تربیه نظامی شده بعد از تسلیح و تجهیز از طریق سرحدات این کشور وارد خاک افغانستان میشوند ؛ به شهادت میرسند ؛ درین گفتگو بطور واضح ذکری بعمل نیامده است .

ثانی- درین توافقنامه از مذاکرات بین الافغانی ذکر به عمل آمده ولی معلوم نیست که ، این مذاکره کننده گان بین الافغانی از چه کسان و کدام گروه ها و نمایندگان سیاسی ، و شخصیت های ملی تشکیل میشوند . همچنان مرجعی که مسؤلیت سازماندهی تدویر جلسات و دعوت از مذاکره کننده گان را بمنظور اشتراک در جلسات به عهده خواهد داشت معرفی نشده است ؟ که خلای عمده مضمون این توافقنامه است . به آنهم با وارد آوردن فشار ایالات متحده امریکا و سایر کشور های جهان به رهبری حکومت پاکستان که جلو اراده طالبان را در اختیار دارند این مشکل خلاف تمایل طالبان که با نمایندگان دولت جمهوری افغانستان خواهان مذاکره نبودند ، با اعزام

هیئت مذاکره کننده شورای عالی مصالحه ملی افغانستان حل گردید . اما درین میان جای تعجب است که در توافقنامه جانب مذاکره کننده گان هیئت ایالات متحده امریکا در مورد ادعای غیر واقعی همیشگی طالبان مبنی بر اسلامی نبودن ، دولت جمهوری اسلامی موجود افغانستان در حالیکه شخص محترم داکتر زلمی خلیل زاد همچون رئیس مذاکره کننده ، خود در تأسیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تهیه مسوده و تصویب قانون اساسی افغانستان سهم مستقیم داشت و از تمام مضمون و محتوی آن همچون یک دانشمند و سیاستمدار ، دارای درجه دکتورا آگاهی کامل دارد ، چگونه و روی چه دلیلی درین توافقنامه به ایجاد مجدد « حکومت اسلامی جدید پسا توافق در افغانستان ایجاد شود . » موافقت نموده اند .

در حالیکه در ماده دوم قانون اساسی موجود افغانستان آمده است که : « ۳ »

- دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان ، دین مقدس اسلام است .

و ماده سی و پنجم فقره اول ، در مورد تشکیل احزاب سیاسی در افغانستان ذکر شده که :

مرامنامه و اساسنامه حزب ، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد .

بدین ترتیب دین اسلام دین رسمی افغانستان بوده و تمام احکام ، اصول ، مقررات ، وجایب فقه شریعت اسلامی در سراسر افغانستان مرعی الاجرا بوده و دستگاه های عدلی و قضائی افغانستان بر طبق احکام شریعت اسلامی و نصوص قرآنی در تمام قضایای محاکماتی اجرائت مینمایند . لذا تأکید طالبان بر ایجاد حکومت جدید اسلامی و گنجاندن آن در متن توافقنامه ، همانا جز تأسیس امارت اسلامی طالبان بر بنیاد آیدیالوژی بنیادگرایانه ایشان چیزی دیگری نمی تواند بوده باشد که برای احیای آن ، این همه جنگ و خونریزی و جنایات بشری را به راه انداخته و بر مردم مسلمان افغانستان روا میدارند .

پنجم : در فقره مربوط به آتش بس دایمی گفته میشود که :

- « آتش بس دائمی و جامع یک موضوع آجدای گفتگو و مذاکرات بین الافغانی خواهد بود . شرکت کنندگان مذاکرات بین الافغانی در مورد تاریخ و چگونگی آتش بس دائمی و فراگیر ، از جمله میکانیزم های اجرایی بحث خواهند کرد که همراه با تکمیل و توافق در مورد نقشه راه سیاسی آینده افغانستان اعلام خواهد شد . »

درین فقره توافقنامه ، به این اصل حیاتی چنانچه بانئستی ، جزء اساسی و اولی ، توافقنامه ایالات متحده امریکا با طالبان می بود و همزمان با امضای این توافقنامه به اجرا گذاشته می شد ، بطور غیر مسؤلانه خلاف منافع حیاتی مردم افغانستان و خلاف پیمان امنیتی ایالات متحده امریکا با حکومت افغانستان برخورد صورت گرفته است . محتوی این ماده به خوبی نشان میدهد که در افغانستان گویا حاکمیت دولتی وجود ندارد و این ایالات متحده امریکا است که حاکمیت سیاسی و ملی افغانستان را تمثیل مینماید . و با این توافقنامه به طالبان این حق را داده است با برگزاری مذاکرات بین الافغانی در حالیکه که از دولت جمهوری اسلامی افغانستان و همچنان از آدرس و هویت مذاکره کننده گان در مذاکرات بین الافغانی نامی و نشانی برده نشده ، در حقیقت این چراغ

سبزی به طالبان است ، تا خود مذاکره کننده گان را انتخاب و و جلسات مذاکرات بین الافغانی را اداره و سازماندهی نمایند . چنانچه این گروه تا آخرین تاریخ برگزاری مذاکرات موجود به عدم گفتگو با دولت جمهوری اسلامی افغانستان تأکید مینمودند .

در نتیجه طالبان با داشتن این امتیازات ، پیش از آغاز مذاکرات رسمی بین الافغانی اخیر ، دو جلسه وسیع نمایشی و فرمایشی را در شهر مسکو و شهر دوحه قطر به راه انداختند و از افغانستان نیز گروهی از سیاسیون به اشاره ایشان ، بدون مشوره ، رضائیت و تفاهم با دولت جمهوری اسلامی افغانستان ، بطور انفرادی در واقع به بیم از بقدرت رسیدن طالبان ، به خاطر تضمین آینده شان جهت ابراز احساسات خوشبینانه و حاضر به انجام هر نوع معامله و اظهار اراده به بیعت امارت اسلامی با شور و اشتیاق در این جلسات اشتراک نمودند . مزید بر این تعداد دیگری از این اشتراک کننده گان به خاطر حفظ دارائی های نامشروع بدست آورده در جریان چور و چپاول دارای های عامه و ملی دوران جهاد طی جنگ های داخلی و همچنان به خاطر حفظ و حراست موقف های کذابی اجتماعی جنگسالارانه خود در جامعه افغانستان که بار ها دست به هر معامله زده اند و می زنند ، در این جلسات راه انداخته طالبان در شهر مسکو و شهر دوحه قطر شرکت نمودند. دید و وادید های انفرادی و جریان جلسات دو طرف را سخنرانی های تشریفاتی و کلی بافی که عمدتاً بر محور خوش گوئی مطابق ذوق و ملاحظیات طالبان ، بخصوص از جانب اشتراک کننده گان غیر طالب ، حرفی و کلامی در دفاع از دستاوردهای مثبت اخیر در عرصه های گوناگون افغانستان و خواست ها ، نیازمندی ها و شکایات و درد و رنج مردم افغانستان از دست گروه های طالبان ، و محکوم نمودن جنگ غیر مشروع و ضد ملی شان در افغانستان ؛ حرفی و شکایتی به رخ جانیبین کشیده نشد. ولی طالبان در این کمپاین و بر محور این توافقنامه ، با فخر و غرور، اقتدار خود را به رخ مردم مظلوم افغانستان و جهانیان به نمایش گذاشتند .

همچنین در پره گراف ، ج . این توافقنامه آمده است که : « ایالات متحده متعهد است که با تمام طرف های ذیربط فوراً کار در مورد آزادسازی هرچه زودتر اسیران جنگی و سیاسی را به عنوان یک اقدام اعتماد سازی شروع کند. تا ۵ هزار زندانی امارت اسلامی طالبان - که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - و تا ۱ هزار زندانی طرف دیگر تا ۱۰ مارچ ۲۰۲۰، روز اول مذاکرات بین الافغانی که مطابق است به ۱۵ رجب ۱۴۴۱ هجری قمری و ۲۰ حوت ۱۳۹۸ هجری خورشیدی آزاد خواهند شد. طرف های ذیربط هدف دارند که تمام زندانیان باقی مانده را طی سه ماه بعدی آزاد کنند. ایالات متحده به تکمیل این هدف متعهد است. امارت اسلامی افغانستان - که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود- متعهد است که زندانیان آزاد شده اش به مسئولیت های ذکر شده در این موافقتنامه متعهد باشند تا تهدیدی از جانب آنها متوجه امنیت ایالات متحده و متحدانش نباشد.

درین فقره « ج » ، ایالات متحده امریکا بطور آشکار خود را به جای دولت جمهوری افغانستان جا زده و از دولت جمهوری افغانستان که این زندانیان در محابس او قرار دارند ، نام برده نشده است ، منظور از طرف های ذیربط جز همان محابس تحت اداره امریکائی ها و سایر زندان

های تحت اداره دولت جمهوری افغانستان طرف دیگری نخواهند بود . گذشته از آن در ادامه قید شده که : « تا ۵ هزار زندانی امارت اسلامی طالبان » یعنی از زندان های بی صاحب و بی حکومت افغانستان رها شوند و در عین حال نوشته شده است که « توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود » پس قید نمودن ۵ هزار زندانی امارت اسلامی طالبان ، جز به رسمیت شناختن امارت اسلامی این گروه در افغانستان چه مفهوم دیگری را میتواند افاده نماید ؟

از جانب دیگر به اساس اطلاعات کشفی ارگان های امنیتی افغانستان به قول محترم حنیف اتمر وزیر خارجه افغانستان در دیدار و گفتگو با محمد ابراهیم طاهریان فرد، نماینده خاص جمهوری اسلامی ایران در امور افغانستان در مورد آخرین تحولات صلح افغانستان در بخشی از این گفتگو اظهار داشتند که : « آنها (طالبان) برخلاف توافق شان ۹۰ فیصد از زندانیان آزاد شده را دوباره به صفوف جنگ آوردند . « ۴ »

همچنان بطور نمونه ، حلیمه صدف کریمی ؛ نماینده جوزجان در ولسی جرگه ، ضمن اشاره به گرم شدن جنگ میان نیروهای دفاعی کشور و طالبان، گفت : « اکثر کسانی که هم اکنون در جوزجان علیه نیروهای امنیتی حمله می کنند ، زندانیانی هستند که از بند دولت آزاد شده اند . « ۵ »

بدینترتیب رها نمودن خلاف قانون و غیر متوازن طالبان در بدل نیرو های امنیتی به امید اینکه با آغاز این پروسه خشونت ها کاهش یابند ، و همچنان تعهد ، همه کسانی که از زندان ها آزاد می شوند ، نباید دوباره به جنگ رو بیاورند . اما بر خلاف تعهدات طالبان ، زندانیان آزاد شده طالبان دوباره به میدان های نبرد به صفوف طالبان پیوستند و جنگ ها شدت بیشتر یافت و در کنار آن ترور های هدفمند ، حملات انتحاری ، جاسازی بمب های کنار جاده ها و زیر پلچک ها ، جاسازی مین های چسپکی و ترور های مسلحانه ، راه اندازی بی نظمی ها در شهر ها نیز به اوج خود رسیدند ، که این همه ثمره این توافقنامه و آزادی زندانیان به پا فشاری هیئت مذاکره کننده ایالات متحده امریکا است که به نوعی خوش خدمتی به طالبان و حامیان سیاسی شان و خاک پاشیدن در چشم مردم مظلوم افغانستان تمام شد .

همچنین در فقره « و . » توافقنامه آمده است که : ایالات متحده و متحدانش از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی این کشور خودداری خواهند کرد . محتوی این فقره در واقعیت یک دوره تسلیمی کامل دولت جمهوری اسلامی افغانستان از جانب ایالات متحده امریکا و متحدان او ، به امارت اسلامی طالبان را نشان میدهد که به طالبان متعهد شده اند : « ایالات متحده و متحدانش از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی این کشور خودداری خواهند کرد . « یعنی اینکه شما میدانید باز همان ورزشگاه غازی استدیوم شهر کابل و چهار راهی آیانا و زن کشی ، مردم کشی و دست بردن ، بدار آویختن و نمایشات جنایتکارانه این چینی ما در امور داخلی تان مداخله نمی کنیم .

بخش دوم توافقنامه ایالات متحده امریکا با طالبان :

این بخش توافقنامه مربوط به تعهدات امارت اسلامی طالبان نسبت به ایالات متحده امریکا میشود، برای اینکه این بخش توافقنامه بطور کامل و مستقیم از نظر خواننده عزیز گزارانیده شود تمام متن آن را درینجا نقل نمودیم ، تا خواهید یافت که همه ی تعهدات این توافقنامه از جانب ایالات متحده امریکا در سطح قایل شدن به صلاحیت حاکمیت دولتی با داشتن تمامیت ارضی به امارت اسلامی طالبان بوده است که در سند به آن دولت به رسمیت نا شناخته گفته شده است، چنانچه آمده است .

- همراه با اعلام این موافقتنامه ، امارت اسلامی طالبان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - گام های زیر را برای جلوگیری استفاده هر گروه یا فرد از جمله القاعده از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش ، برخورد داشت :

- امارت اسلامی افغانستان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - به هیچ یک از اعضایش، سایر افراد و گروه ها از جمله القاعده اجازه نخواهد داد که از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش استفاده کنند.

- امارت اسلامی طالبان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - پیام واضحی خواهد داشت که آن هایی که برای امنیت ایالات متحده تهدید محسوب می شوند در افغانستان جای ندارند و به اعضای امارت اسلامی - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - هدایت خواهد داد که با گروه ها یا افرادی که امنیت ایالات متحده و متحدانش را تهدید می کنند، همکاری نکنند.

- امارت اسلامی افغانستان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - هرگونه گروه یا فرد را از تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش ممانعت خواهد کرد ، جلوگیری ، آموزش و تمویل آنها را خواهد گرفت و و مطابق تعهداتش در این موافقتنامه از آنها میزبانی نخواهد کرد.

- امارت اسلامی افغانستان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - متعهد است که با کسانی که به دنبال پناهندگی یا اقامت در افغانستان هستند طبق قانون مهاجرت بین المللی و تعهداتش در این موافقتنامه عمل خواهد کرد تا از جانب چنین افراد تهدیدی متوجه امنیت ایالات متحده و متحدانش نباشد.

- امارت اسلامی افغانستان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - برای کسانی که تهدیدی برای امنیت ایالات متحده و متحدانش محسوب شوند ، ویزا ، پاسپورت ، مجوز سفر یا سایر اسناد قانونی را برای ورود آنها به افغانستان فراهم نخواهد کرد.

بخش سوم

-ایالات متحده خواستار به رسمیت شناختن و تأیید این موافقت‌نامه از جانب شورای امنیت سازمان ملل خواهد شد.

-ایالات متحده و امارت اسلامی افغانستان - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به‌عنوان طالبان شناخته می‌شود- به دنبال روابط مثبت با یکدیگر هستند و انتظار دارند که روابط بین ایالات متحده و حکومت اسلامی جدید پسا توافق که توسط مذاکرات بین‌الافغانی تعیین می‌شود، مثبت باشد.

-ایالات متحده به دنبال همکاری اقتصادی با حکومت اسلامی جدید پسا توافق که توسط مذاکرات بین‌الافغانی تعیین می‌شود، برای بازسازی [افغانستان] خواهد بود و در امور داخلی آن دخالت نخواهد کرد.

طوری‌که ملاحظه می‌شود، در تمام فقره های مربوط به مسؤلیت های طرف طالبان، امارت اسلامی طالبان همچون واکدار حاکمیت سیاسی دولتی مجموع قلمرو افغانستان شناخته شده اند و در هیچ یک از این فقره ها حتما اشاره به مناطق تحت کنترل طالبان نشده و همه مسؤلیت های طالبان به نام امارت اسلامی افغانستان به اضافه اینکه گویا از جانب ایالات متحده امریکا برسمیت شناخته نشده ولی در موافقتنامه عملن، حتما تا سرحد: « برای کسانی که تهدیدی برای امنیت ایالات متحده و متحدانش محسوب شوند، ویزا، پاسپورت، مجوز سفر یا سایر اسناد قانونی را برای ورود آن‌ها به افغانستان فراهم نخواهد کرد. » در صورتیکه امارت اسلامی افغانستان درین کشور دارای همچو ادارات رسمی نبوده و از هیچگونه صلاحیت قانونی برخوردار نیست و همچنان از جانب کشور های بین المللی بحیث دولت برسمیت شناخته نشده است. پس چگونه میتواند صاحب امتیاز، تادیه حق ویزا، پاسپورت، مجوز سفر یا سایر اسناد قانونی را برای ورود « کسانی که تهدیدی برای امنیت ایالات متحده و متحدانش محسوب شوند » را به افغانستان داشته باشد و جای تعجب است که ایالات متحده امریکا نیز با همچو، وضعیت سیاسی این گروه تقاضای چنین تعهدی بی پایه و غیر عملی را ازین گروه داشته باشد جز اینکه حاکمیت امارت اسلامی طالبان را در افغانستان به رسمیت شناخته باشد.

خواننده عزیز و محترم بعد مطالعه تمام مواد موافقتنامه طرف مسؤلیت های طالبان به روشنی خواهند دریافت که ماهیت و مضمون تمام فقره های این توافقنامه در حقیقت تسلیم دهی کامل حاکمیت سیاسی افغانستان به امارت اسلامی طالبان به اضافه اینکه، طالبان در مطابقت با این توافقنامه متعهد شده اند که با جمعی از افغان ها نیز مذاکرات تفاهمی و آشتی جویانه نموده زمینه تأسیس حکومت جدید اسلامی که همانا امارت اسلامی خواهد بود، در افغانستان مهیا و از منافع ایالات متحده امریکا درین کشور پاسداری نمایند. چیزی دیگری نمیتواند برداشت شود. در حالیکه، اگر قرار برین می بود که این توافقنامه زمینه ایجاد صلح و ختم جنگ و خون ریزی را در نتیجه مذاکرات صلح بین الافغانی، توأم با ایجاد یک حاکمیت سیاسی تفاهمی با دولت جمهوری اسلامی افغانستان فراهم کند، و نیرو های طالبان طبیعتن بانیستی در آن مدغن شوند، آنگاه طالبان و امارت اسلامی شان وجود فزیکتی نخواهد داشت؛ لذا نیازی وجود ندارد که ایالات متحده امریکا به حیث بزرگترین قدرت جهانی با گروه طالبان همچو توافقنامه ای را با چنین

طول و عرض و با دادن مسئولیت های اجرائی با لاتر از صلاحیت شان امضا نماید . نتایج این بحث حقانیت سخن معاون اول ریاست جمهوری محترم امرالله صالح در مصاحبه با شبکه PBS امریکایی مؤرخ ۰۸ - ۰۲ - ۲۰۲۱ که بیان داشت : « معتقد است امضای توافقنامه میان بزرگترین نیروی جهان (ایالات متحده آمریکا) و گروه هراس افکن طالبان یک اشتباه بزرگ و غیر قابل باور بود و مردم افغانستان که من نیز یکی از آنها استم از جنگ خسته شده اند اما حاضر به فروش وجدان و ضمیر خود نیستند » بوضوح نشان میدهد .

هویت طالبان

طالبان که اسم جمع طالب و عمومن به کسانی اطلاق میشود که در مدارس آموزش دینی می بینند . با آنکه مدارس دینی اسلامی در تاریخ معارف اسلامی در تعلیم و تربیت دانش آموزان مسلمان دستاورد های عظیمی داشته و بزرگترین دانشمندان علوم منفرد ، فیلسوفان و عرفای نام آور ، را در عصر های گذشته خود به عالم بشریت در جهان تقدیم داشته اند که فی الجمله تا اکنون مایه افتخارات مسلمانان جهان اند . که بحث مفصلی است .

اما با ظهور افکار بنیادگرانه و تفکر اسلام سیاسی به اضافه نفوذ اسلام گرایان که عقاید و ارزش های اسلام مورد نظر خود را که به سلفی ها هم معروف اند و برای استقرار دولت خاص و ناب اسلامی مورد نظر شان ، جهاد ظاهری را در ردیف ارکان اولیه اسلامی در آورده ، با آموزش و پرورش هزاران جوان طلاب مخصوصن از طبقات محروم و فقیر جوامع اسلامی با تفکر خاص براساس میل حامیان و سردمداران چنین آیدیالوژی در این مدارس ، با مضمون آنکه اسلام در خطر است پرورش و جهان اسلام را به آشوب کشیده اند ، که با شیوه آموزش و پرورش طالبان در مدارس گذشته دنیای اسلام از بنیاد متفاوت است .

چنانچه معلوم است ، بیشترین اینگونه مدارس در پاکستان از سوی جمعیت علماء اسلام به رهبری مولانا فضل الرحمن از جمله پیروان اندیشه های مذهبی- سیاسی ابوالاعلی مودودی اداره می شوند که پدر معنوی طالبان نیز خوانده میشود .

درین کشور مرکزی بنام وفاق المدارس العربیه پاکستان فعالیت دارد که از مجموعه ای مدارس دینی نمایندگی نموده همچنان سازماندهی ، اداره و رهبری مینماید . این مرکز وفاق علاوه بر پاکستان با مدارس دینی سایر کشورهای اسلامی منجمله به چندین هزار مدارس دینی تازه ایجاد شده در افغانستان ارتباط دارد .

به رویت گزارش رادیو بی بی سی تحت عنوان مدارس پاکستانی و بینادگرایی مذهبی : « بر اساس آمار رسمی سازمان اتحاد تنظیمات مدارس در پاکستان ، حدود اضافه از ۲۰ هزار مدرسه دینی درین کشور ثبت شده است . بیش و کم به همین تعداد هم مدارس اسلامی ثبت نشده وجود دارد . این مدارس که جمعیت علماء اسلام آنها را اداره و رهبری مینماید ، بیشترین آنها در ولایت پنجاب قرار دارند و طالبان افغانستان و پاکستان بلا استثناء و بدون تبعیض درین مدارس پذیرفته میشوند و با هم ارتباطی تنگاتنگ قرار دارند . درین مدارس دینی نزدیک به دو میلیون نفر طالب درس میخوانند که غذا و محل اقامت دانشآموزان درین مدارس بطور رایگان است . « ۶ » مرکز وفاق المدارس العربیه پاکستان و همچنین دستگاه رهبری مدارس با جمع آوری زکات و

اعانه های نذرانه از طریق روحانیون در میان مردم منطقه ، اینچنین با اعزام روحانیون به کشورهای اسلامی عربی بخصوص امارات متحده و عربستان سعودی و قطر برای جلب مساعدت های پولی شیخ های عربی مصارف و مخارج این مدارس تأمین مینمایند .

بنیادگرایی

بنیادگرایی ، که از بنیاد ، پایه ، شالوده ، تهداب گرفته شده به مفهوم برگشت به رویکرد های اولیه بنیانگذاران دین و یا هر آئین گذشته است و به پیروان ادیانی و مذاهبی اطلاق میشود که مخالف کوچکترین تغییر ، تعبیر و تفسیر در کتب آسمانی و گفتار پیامبران ادیان خود اند و میخواهند نظام دینی خود را بر وفق نظام دوران پیامبران شان در جامعه مستقر سازند و سعادت پیروان و عدالت کامل اجتماعی در بازگشت به ارزش های اولیه دین مربوط به خود میدانند . و بنیادگرایان اسلامی نیز ازین کته گوری میباشند .

نمونه های عمده گروه های بنیاد گرای اسلامی شامل : « لشکر جهنگوی ، لشکر طیبه ، جیش محمد ، طالبان ، داعش در پاکستان ، همچنان طالبان و القاعده و داعش در افغانستان ؛ بوکوحرام و الشباب در آفریقا و داعش و جبهة النصره در عراق و سوریه گروه های تندرو و بنیادگرای اسلامی هستند که با طرز دید خاص خود از اسلام ، جهان را در مخاطره و مخصوصن برخی از کشور های اسلامی را به بی ثباتی و آشوب کشیده ، پرستیژ دین اسلام را در مقیاس عالم به بازی گرفته اند .

منشاء آیدیالوژی طالبانی

آیدیالوژی طالبانی با عقاید مذهبی بنیادگرایانه این گروه آمیخته با افکار و عقاید شریعت اسلامی توأم با خصوصیات پشتونوالی بر محور رسوم و عنعنات نظام رفتاری قبیله ای زیر تأثیر اندیشه های سلفی و بنیادگرایانه برای اعمار امارت اسلامی از راه جهاد است . آیدیالوژی طالبان با افکار بنیادگرایانه در مدارس دیوبندی پاکستان و افغانستان به جوانان پاکستان و افغانستانی آموزش داده میشود ، این آیدیالوژی با ساختار های نظام های سیاسی جهان امروزی ، از شاهی تا جمهوریت و همچنان با آیدیالوژی های و نظام های لیبرال دموکراسی سرماییداری و نظام سوسیالیستی مخالفت دارد .

گروه های تروریستی دیگری هم مانند طالبان پاکستان ، شبکه حقانی ، حزب التحریر ، القاعده ، داعش ، جنبش اسلامی ترکستان شرقی ، لشکر طیبه ، جهنگوی ، و سایر جنبش های تروریستی مربوط به جمهوری توده چین و کشورهای آسیای میانه که برای اعمار امارت اسلامی مبارزه مینمایند و در خاک پاکستان پناه گاه و دارای کمپ ها همچون تربیه گاه های نظامی و با تسلیح ، تجهیز و حمایه بودجوی کشور های امارات متحده عربی بشمول قطر و عربستان سعودی و عشر و زکات شیخ های ثروتمند عربی از طریق جمهوری اسلامی پاکستان وارد افغانستان شده با طالبان همکاری مینمایند ازین آیدیالوژی پیروی مینمایند .

مزید بران به نوشته احمد رشید از ژونالیست های مشهور پاکستان در کتاب طالبان ؛ اسلام ، نفت و بازی بزرگ جدید : « بسیاری از افسران با صلاحیت در سازمان استخباراتی ، اردوی و ملیشه ها از تبار قبایل پشتون پاکستان که از بطن چنین سیستم متعصب قبایلی جذب نظام سیاسی

شده اند بیشترین شان همچون تندروان اسلامی احزاب جهادی ، طالبان و القاعده گرایشهای بنیادگرایانه و تعصبات برتری جویانه قومی داشته از احزاب بنیادگرای اسلامی مربوط به قوم پشتون در افغانستان بویژه حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و بعدن طالبان حمایت مینمایند.» « ۷ »

لذا با توجه به آیدیالوژی این گروه و رفتار و کردار شان در میان جامعه و مخالفین و همچنان تجربه حاکمیت امارت اسلامی این گروه در افغانستان بعید است که تن به صلح و پروسه انتخابات دموکراتیک و اراده مردم افغانستان بدهند . چون به یقین میدانند که به جز از راه جنگ و خونریزی به آرزوی خود که همانا تأسیس مجدد امارت اسلامی طالبان در افغانستان است رسیده نمیتوانند .

نتیجه گیری توأم با نظر پیشنهادی

با توجه به توافقنامه خلاف منافع مردم افغانستان میان ایالات متحده امریکا و طالبان که در صفحات پیشین روی نواقص عمده آن انگشت گذاشته شده و همچنان ادامه مذاکرات صلح در شهر دوحه قطر میان هیات های مذاکره کننده دولت افغانستان و گروه طالبان که از ۱۲ سپتامبر در جریان است با تغییر رهبری دولتی در ایالات متحده امریکا و عدم چشم پوشی آن به نقض توافقنامه از جانب طالبان در زمینه حملات توأم با کشتار ، ترور های هدفمند ، مین گذاری کنار جاده ها و ترور های مسلحانه کارمندان دولتی توأم با ایجاد وحشت در شهرکابل و مراکز سایر ولایات ، همچنان حملات پیهم نظامی و شعله ور نمودن جنگ های خونین و با تلفات در سراسر کشور که این اعمال جنگ طلبانه از موضع طالبان در زمینه فراهم آوری صلح در افغانستان نوید نمیدهند ، رهبری جدید دولت ایالات متحده امریکا را به تجدید نظر در توافقنامه واداشته است .

هیئت مذاکره کننده طالبان قبل برین در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس جمهور اسبق ایالات متحده امریکا ، با استغنا در برابر هیئت مذاکره کننده افغانستان برخورد مینمود اما با تغییر ملاحظات رهبری جدید ایالت متحده امریکا تحت رهبری جو بایدن در برابر نقض تعهدات داده شده این گروه در موافقتنامه ، اکنون هیئت مذاکره کننده طالبان جسارت گذشته خود را در حساب ده و حساب بستن موجود از دست دادند و به جای گفتگو در روی میز مذاکره با هیأت افغانستان به کشور های ایران ، فدراتیف روسیه ، ترکمنستان و ممکن به کشور های دیگر نظیر چین سفر نموده برای آینده این پیامد ها رأی زنی می نمایند .

این واقعیت از چشم جهانیان پوشیده نیست که افغانستان طی اضافه از چهل سال آغاز از دوران جنگ سرد و بدوام آن رقابت های خصمانه قدرت های بزرگ جهان و منطقوی در برآوردن اهداف خود درین کشور به جنگ نیابتی توأم جنگ های ویران کننده داخلی با روحیه حزبی و قومی گرفتار است . با آنکه در ظاهر به جنگ سرد در جهان خاتمه داده شده ولی رقابت های جهانی و منطقوی میان کشورها همچنان در منطقه ادامه دارند و افغانستان بخشی از قربانی این رقابت ها است که مردم مظلوم آن درین پروسه با از دست دادن نظام دولتی ، قوای مسلح و روحیه وحدت ملی ، اختیارات و سرنوشت سیاسی و حاکمیت ملی خود را از دست داده اند و قادر نیستند بطور مستقلانه معضلات داخلی خود را در اثر این مداخلات ، خود حل نمایند .

در شرایط موجود جهان و اوضاع بحرانی منطقه، در مورد تعیین سرنوشت افغانستان اوضاع را طوری رقم زده که هرکشوری بطور مثال ایالات متحده امریکا اگر بخواهد زمینه صلح و آرامشی درین کشور بوجود آورد، کشور های رقیب جهانی و منطقوی به نحوی سعی در تخریب عملی شدن برنامه آن مینمایند، همچنان هرگاه، فدراتیف روسیه، چین، هند، ایران و پاکستان نیز چنین نیت خیرخواهانه را پیشه کنند، مسلمان مورد سوژن دیگران قرار می گیرند. و این موضوع برای افغانستان درد سر بزرگی شده و بارها به تجربه رسیده است.

بدین ترتیب نیاز است تا موضع حل معضله سیاسی صلح آمیز افغانستان بطور خاص شامل اجندای بحث شورای امنیت ملل متحد شود و همچنان موضوع مذاکرات موجود صلح افغانستان میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان نیز در شورای امنیت سازمان ملل متحد به اشتراک کشور های همسایه افغانستان شامل، ایران، هند، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان به بحث گرفته شود و به اتفاق آرای نظریات و تأیید اعضای شورای امنیت ملل متحد و کشور های منطقه، توافقنامه صلح مورد مذاقه و تجدید نظر قرار گیرد.

بهتر خواهد بود، شورای امنیت ملل متحد برای تسریع پروسه مذاکرات صلح نماینده خاص با صلاحیتی را توأم با گروه کاری تخصصی تعیین نمایند تا همراه با نماینده خاص وزارت خارجه ایالات متحده امریکا روی تجدید نظر در توافقنامه صلح ایالات متحده امریکا با طالبان، با هیئت مذاکره کننده طالبان و همچنان دولت جمهوری اسلامی افغانستان بحث و گفتگو نموده موضوعات اساسی و اولیت صلح را که عبارت از آتش بس سراسری و قطع کامل جنگ، خشونت و خونریزی در میدان های نبرد سراسر افغانستان است، به تصویب رسانیده عملی سازند. و در بقیه مسایل مورد گفتگوهای بعدی هم با نقش مشورت دهنده در تسریع و پیشرفت گفتگو ها که همانا ایجاد نوعی از حاکمیت سیاسی همه گیر و تفاهمی با اشتراک طیف وسیعی از کادر های تخصصی اقوام و اقلیت های قومی و مذهبی، احزاب و شخصیت های ملی و سالم اندیش و صادق داخل و بیرون از افغانستان که مجبور به ترک وطن شده اند و منجمله گروه طالبان در بدنه دولت موجود در جهت مبارزه با فساد و تحکیم حاکمیت سیاسی سراسری در کشور بوجود آید، سهم فعال گرفته، کمک عملی نمایند.

برای گروه طالبان که در سطح نظام جامعه بین المللی به حیث گروه تروریستی و در لست سیا جا دارند و در افغانستان به حیث گروه شورشی ضد امنیت ملی و حاکمیت سیاسی که با راه اندازی جنگ های خونین و ترور های هدفمند، جا سازی مین های کنار جاده، سازماندهی اعمال انتحاری، تخریب شاهراه هاو پل و پلچک، تخریب و آتش کشیدن مکاتب، کلینک ها و ساختمان های دولتی و آثار تاریخی و اعدام های صحرائی زنان و مردان بی گناه و به دهها اعمال جنایات بشری، ضد حقوق و آزادی های مدنی به حیث دشمنان مردم افغانستان مجرم شناخته شده اند، امتیاز عفو عمومی از جانب مردم افغانستان و دولت جمهوری اسلامی افغانستان و بیرون کشیدن شان از لست سیاه تروریستی جامعه جهانی و آوردن شان از حاشیه خونبار به متن جامعه افغانستان و جا دادن افراد متخصص و حرفوی این گروه در تشکیلات دولت، خود بزرگترین امتیاز است که مردم افغانستان و جامعه جهانی برای شان قایل میتواند شود.

از جانب دیگر گروه طالبان که ادعای محبوبیت در میان مردم افغانستان دارند ، میتوانند خود را برای انتخابات آینده آماده و از راه صلح و زمینه های دموکراتیک در انتخابات ملی سهم فعال بگیرند و با جلب و جذب اکثریت آرای مردم به اهداف سیاسی خود برسند . آنگاه هیچ نیروئی در برابر خواست ها و اهداف نیک شان در جامعه ، ایستادگی نموده نخواهد توانست و بدون شک جامعه جهانی نیز از ایشان پشتیبانی خواهد نمود .

باید گفت که حفظ ساختار نظام سیاسی موجود دولت جمهوری اسلامی ، دستاورد ها و حقوق و آزادی های مدنی شامل مرد و زن افغانستان در مطابقت به اعلامیه جهانی حقوق بشر ، کنواسیون های جهانی ، قانون اساسی موجود افغانستان و ارزش های اسلامی ، به شمول قوای مسلح افغانستان که حافظ منافع مردم ، حاکمیت سیاسی ، تمامیت ارضی و استقلال افغانستان است و برای صلح و آرامش و امنیت مردم افغانستان شبانه روز قربانی میدهند ، ضامن ثبات امنیت منزلزل موجود در افغانستان میباشند ، باید به حیث خطوط سرخ مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه جهانی شناخته شوند . تجربه نشان داده گروه طالبان ، رهبران احزاب جهاد اسلامی ، قوماندان مسلح غیر مسؤل و تکه داران قومی و گروه های مافیائی زیر سایه حاکمیت سیاسی موجود ، هیچگاه و هیچوقت به هیچ اصول و قرارداد و پیمانی متعهد باقی نمانده اند و نمی مانند . این گروه ها به کرات از مکه معظمه تا جلال آباد ، از اسلام آباد تا پشاور و از هرات و واشنگتن به خدا و قرآن سوگند یاد کرده و تعهد به وحدت و آشتی نمودند ولی به آن قسمنامه ها و تعهدات کتبی شان وفادار نه ماندند .

باید بدانیم ! همین که این نظام که با عوامل وابستگی های گوناگون آسیب پذیر خود ، بهم پیوسته شده است ، گسستن یکی از حلقه های مهم زنجیر آن باعث گسست و فروپاشی کل نظام سیاسی افغانستان میشود و آنگاه نه ، امریکا و ناتو و نه متعهدین ، نه مردم بی دفاع افغانستان و نه دیگران ، همچون تماشاگران میدان بازی تاراج ، چور و چپاول دارائی های عامه ، ملی و خصوصی ، ارزش های مادی و معنوی این سرزمین ، کشتار مردم بیگناه و تخریب مؤسسات دولتی و سرازیر شدن مهاجرین به کشور های همسایه خواهند بود . و چنانچه این وقایع فلاکت بار ، تلخ و خونبار را مردم افغانستان بخصوص شهریان کابل تجربه نموده و به چشم سر دیده اند ، در وقوع همچو شرایط هیچ نیروئی از وقوع چنین وقایع جلوگیری کرده نمیتواند .

با هوشدار باید گفت که : هر تحول و تغییری در افغانستان تا به ثمر رسیدن نظام آینده از راه دموکراتیک و انتخابات زود رس آنها باید در موجودیت قوای ناتو به شمول ایالات متحده امریکا و متحدین آن و به همکاری کشور های منطقه بخصوص پاکستان و ایران بصورت صاقانه عملی و پشتیبانی شود .

مهمتر از همه ضرور است شورای امنیت ملل متحد از همه کشور های همسایه و منطقه ، مخصوصن از جمهوری اسلامی پاکستان و ایران جدن تقاضا نماید که برای نجات مردم مظلوم افغانستان از رقابت های سیاسی و دامن زدن به جنگ های رقابتی و نیابتی در سرزمین افغانستان دست بردارند . درین میان بطور عمده شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی پاکستان بخواهد که به همکاری جامعه متعهد به نابودی مکان های امن توأم با قرار گاه ها و کمپ

های آموزشی در خاک خود شده و از تدریس و ترویج افکار بنیاد گرایانه در مدارس دینی پاکستان جلوگیری نماید.

بدون تردید نقش پاکستان در تأمین و حل تمام معضلات درونی افغانستان و از اهمیت فوق العاده برخوردار است ، با اندک ترین توجه ، پناه گاه و منشأ و ریشه همه ی گروه های تند رو اسلامی و منجمله طالبان ، القاعده و داعش را به روشنی و سادگی در پاکستان می توان یافت . و چنانچه واضح است این گروه ها بطور مسلحانه و با سهولت تمام از طریق سرحدات این کشور به داخل خاک افغانستان رفت و آمد مینمایند و به عملیات تخریبکارانه خود دوام میدهند و با احساس خطر دو باره به پاکستان فرار مینمایند.

گذشته از این همه ی این گروه و منجمله رهبران طالبان و قوماندانان و جنگ آوران این گروه با خانواده های شان در شهرها و کمپ های رهائشی و مراکز تعلیمی و تربیوی نظامی ، درین کشور جا به جا اند و با پاسپورت های خارجی جمهوری اسلامی پاکستان به کشور های خارجی سفر مینمایند . و این کشور بطور فوق العاده قادر خواهد بود تا طالبان و دیگر گروه های تروریستی پناه داده شده را به اطاعت از فیصله های شورای امنیت ملل متحد و اراده مردم افغانستان از لحاظ اسلامی و انسانی وادار نماید .

مؤخذات :

- ۱ - متن کامل توافقنامه صلح آمریکا و طالبان
- ۲ - گزارش سیگار - سپوتنیک ۰۳ - ۰۲ - ۲۰۲۱
- ۳ - قانون اسای دولت جمهوری اسلامی افغانستان
- ۴ - خبرگزاری سپوتنیک ، ۰۴ - ۰۲ - ۲۰۲۱
- ۵- گزارش صدای افغان (آوا) جمعه ۲ جوزا ۱۳۹۹
- ۶- مدارس پاکستانی و بینادگرایی مذهبی بی بی سی ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۳ سید انور
- ۷- طالبان ؛ اسلام ، نفت و بازی بزرگ جدید ، ص ۳۰۲ ، احمد رشید مترجمین : اسد الله شفائی و صادق باقری